

تقدیم به دوستان رفیق کبیر استالین  
به مناسبت شصت و دومین سالگرد مرگ او  
آنا لوئیس استرانگ

آنا لوئیس استرانگ، روزنامه نگار کمونیست آمریکایی در ۲۴ نوامبر ۱۸۸۵ در  
فرند/نبراسکا متولد و در ۲۹ مارس ۱۹۷۰ در پکن در گذشت. او یک روزنامه  
نگار کمونیست آمریکایی، شناخته شده برای گزارشاتش از اتحاد جماهیر شوروی و  
جمهوری خلق چین، بود.

## استالین

نویسنده: آنا لوئیس استرانگ

مترجم: پیام پرتوی

<http://www.marxists.org/reference/archive/strong-anna-louise/1941/x01/stalin.htm>

ظهور استالین در قدرت به آرامی رخ داد. پیدایش چنین افرادی به آرامی و با  
اطمینان صورت میگیرند. این به گذشته های دور، به مطالعاتش در مورد تاریخ بشر  
و بخصوص تاریخ انقلابات، باز میگردد. پرزیدنت روزولت با شگفتی در مورد  
دانش استالین از انقلاب کروم ولیان در انگیس، همانطور که در سخنانش با اچ  
جی. ولز نشان داده شد، با من صحبت کرد.

اما استالین انقلابات انگلیس و آمریکا را کاملاً طبیعی و با دقتی بسیار عمیقتر از  
سیاستمداران آمریکایی و انگلیسی مطالعه نموده بود. تزار روسیه شایسته یک  
انقلاب بود. استالین در نظر داشت که بخشی از آن باشد و به شکل گرفتن آن یاری  
رساند.

او در خصوص فرایند انقلاب از دیدگاه مارکسیسم: شیوه زندگی توده ها، چگونگی  
توسعه روش صنعتی و اشکال اجتماعی آنان، اینکه طبقات اجتماعی چگونه ظاهر و  
مبارزه میکنند و اینکه چگونه موفق میشوند، از خود محقق کامل ساخت. استالین  
کلیه انقلابات بوقوع پیوسته در گذشته را مورد مقایسه و تجزیه و تحلیل قرار داد و

در مورد آنها کتابهای فراوانی نوشت. اما او نه تنها یک دانشمند بلکه مرد عمل نیز بود.

در اولین روزهای انقلاب، در خارج از حزب، نام استالین بسختی شناخته شده بود. در سال ۱۹۲۳، در خلال آخرین دوران بیماری لنین، از جانب افرادی که من به قضاوت آنان اعتماد داشتم گفته شده بود که استالین «رهبر آینده ماست.» آنها اساس دانش عمیق خود را بر روی توان سیاسی و توجه بسیار او به سازمان سیاسی بعنوان رهبر حزب کمونیست بنا نهاده بودند. عامل تعیین کننده دیگر زمانبندی دقیق از اقدام سریع بود و گفتند که حدسیات او در مورد انقلاب تا کنون اشتباه نبوده است.

به گفته آنها «افراد مسئول حزب» جهت دریافت روشنترین نظرات به وی مراجعه مینمودند. در آنروزها ترتسکی استالین را بعنوان «معمولترین فرد» در حزب مورد تمسخر قرار داد. به یک معنا این صحیح بود. استالین خود را به «افراد معمولی» نزدیک نگاه میدارد، «افراد معمولی» مواد سیاست هستند. اما استالین دارای نبوغیست که با معمولی فاصله بسیاری دارد.

او یکبار گفت، «هنر رهبری مورد بسیار مهمیست. نباید از جنبش عقب افتاد، چرا که در اینصورت از توده ها جدا خواهیم شد. اما عجله هم نباید داشت، چرا که در اینصورت ارتباط با توده ها را از دست خواهیم داد.» او به رفقای خود شیوه ی به رهبر مبدل شدن را میاموخت. وی ایده آل خود را نیز، که بصورتی کاملاً موثر انجام میداد، بیان مینمود. بیست سال پیش در جنگ داخلی روسیه، غریزه استالین برای مردم معمولی بارها به پیروزی ارتش شوروی یاری رسانده بود.

شناخته شده ترین اختلاف میان استالین و ترتسکی در مورد پیشروی از طریق قفقاز شمالی بود. ترتسکی مایل به انتخاب کوتاهترین مسیر نظامی بود. استالین اشاره نمود که این راه میانبر در زمین فزاقان دشمن قرار داشت و در پایان نشان داده شد که طولانیتر و خونین تر باشد.

او مسیری تقریباً غیر مستقیم و انحرافی را، قرار گرفته در شهرهای متعلق به طبقه کارگر و مناطق کشاورزی دوست، که مردم عادی بمنظور یاری به ارتش، بجای اینکه بر علیه آنان بپاخورند، انتخاب کرد. اختلاف روشن بود، این امر پس از آن توسط بیست سال از تاریخ به اثبات رسیده است.

استالین با بکارگیری نیروهای اجتماعی در کشور، نشان داده شده توسط دعوت وی برای «جنگ مردمی» در پشت جبهه ارتش آلمان، کاملاً آشناست. او به چگونگی

برانگیختن خشم وحشتناک نیروهای مردمی، سازماندهی و آزاد نمودن آن در جهت بدست آوردن خواسته هایشان، آشناست.

جهان خارج گوش دادن به استالین را در مباحثی که قبل از اولین برنامه پنج ساله رخ داد آغاز نمود. (من در مقاله ای که حدود پنج سال زودتر ظهور وی را بعنوان جانشین لنین پیش بینی مینمود نوشتم اما مقاله مورد توجه قرار نگرفت. مقاله سالها زودتر نوشته شده بود.) کارگران روسیه، خارج از حزب کمونیست، در خلال اولین سال گسترش جذاب و دیدنی صنعت اتحاد جماهیر شوروی به تعیین استالین بعنوان رهبر فکر کردند.

در ماه مارس ۱۹۳۰ او ابتدا، از طریق مقاله مشهور خود، «سرگیجه از موفقیت»<sup>۴</sup> ، که در آن سوء استفاده های رخ داده در مزارع اشتراکی مورد بررسی قرار داده شده بود، به رهبری در میان دهقانان مبدل شد. من تاثیر آنرا در مناطق روستایی در فصل گذشته توضیح دادم. والتر دورانتی<sup>۵</sup> را بیادم میاورم که با اشاره به آن مقاله به من گفت، «بالاخره در این کشور رهبری وجود دارد!»

لحظه بزرگ استالین، هنگامیکه که برای اولین بار بعنوان رهبر جدید-ه تمام مردم اتحاد جماهیر شوروی ظاهر شد، زمانی بود که بعنوان رئیس کمیسیون قانون اساسی، قانون اساسی جدید-ه دولت سوسیالیستی<sup>۶</sup> را ارائه نمود.

در آنزمان برای به اجرا گذاردن «خواست مردم» کمیسیونی ۳۱ نفره از تواناترین مورخان، اقتصاددانان، و دانشمندان علوم سیاسی کشور جهت آفرینش «دمکراتیک ترین قانون اساسی جهان» با دقیقترین ماشین آلات اختراع شده موجود آموزش داده شده بودند.

آنها یکسال و نیم را صرف مطالعه جزئیات کلیه قوانین اساسی قدیمی در جهان، نه فقط دولتها بلکه اتحادیه ها و جوامع ارادی<sup>۷</sup>، نمودند. پس از آن پیش نویس تهیه شده توسط آنها برای چندین ماه بوسیله مردم شوروی، در بیش از نیم میلیون نشست با حضور ۳۶۵۰۰۰۰۰ نفر، مورد نقد و بررسی قرار گرفت. شمار اصلاحات پیشنهاد شده، جمع آوری شده از نقد و بررسیهای پرتعداد، که بدست کمیسیون قانون اساسی رسید، ۱۵۴۰۰۰ بود. معروف است که استالین شخصا دهها هزار نامه ارسال شده از جانب مردم را خواند.

هنگامیکه استالین گزارش خود را به کنگره اتحادیه جماهیر شوروی ارائه نمود دو هزار نفر در سالن سفید و بزرگ کاخ کرملین نشسته بودند. زیر من، جایی که در جمع روزنامه نگاران نشسته بودم، طبقه اصلی با نماینده گان کنگره پر شده بود، در

اطراف در صدر سالن گروه سیاستمداران خارجی نشسته و پشت سرم، در سالنی دراز، شهروندان مهمان نشسته بودند.

خارج از سالن دهها میلیون نفر، از مزارع پنبه در آسیای مرکزی تا ایستگاههای علمی در ساحل قطب شمال، به رادیو گوش میکردند. این بهترین لحظه از تاریخ اتحاد جماهیر شوروی بود. اما عبارات استالین بی آرایش و ساده و چنان غیر رسمی بود که تو گویی در کنار بخاری نشسته و با دوستان خود صحبت میکرد.

او اهمیت قانون اساسی را توضیح داد، اصلاحات پیشنهادی را مطرح نمود، به تعداد زیادی از نهادهای قانونگذاری اشاره و خودش در مورد مهمترین موارد بحث و گفتگو کرد. او روشن نمود که کلیه ۱۵۴۰۰۰ پیشنهاد در جایی طبقه بندی شده و بر روی مسائل تأثیر خواهند گذارد. استالین از میان بیش از دهها اصلاحات که شخصا در مورد آنها گفتگو نمود، آنهایی را مورد تأیید قرار داد که بیان دموکراسی را تسهیل و آنهایی را نپذیرفت که دموکراسی را محدود مینمودند.

برای مثال برخی احساس مینمودند که به جمهوریهای مختلف نباید حق جدایی از اتحاد جماهیر شوروی ضمانت میشد، استالین گفت، در حالیکه آنها خواهان جدایی نیستند، اما بر اساس قانون اساسی حق انجام آن باید بعنوان تأکیدی بر امر دموکراسی مورد ضمانت قرار گیرد. تعداد نسبتاً زیادی از مردم خواهان سلب اختیارات سیاسی از کشیشان، به ترتیبی که بر روی سیاست تأثیر نگذارند، بودند. استالین گفت، «زمان برای به اجرا گذاردن حق رای همگانی بدون محدودیت فرا رسیده است.» و استدلال نمود که مردم شوروی جهت شناخت حقوق خود به بلوغ کافی دست یافته اند. برای ما در حال حاضر مهمتر از اشکال قانون اساسی یا حتی اینکه چگونه کار میکنند، یک نکته بسیار مهم در سخنرانی استالین بود.

او نطق خود را با به چالش کشیدن تهدید-ه در حال رشد نازیسم در اروپا به پایان برد. استالین در سخنرانی خود در ۲۵ نوامبر ۱۹۳۶ گفت، دولت‌های اروپایی در گذشته بصورت جدی مخالف هیتلریسم بودند. او قانون اساسی جدید اتحاد جماهیر شوروی را «کیفر خواست علیه فاشیسم خواند، کیفرخواستی که میگوید سوسیالیسم و دموکراسی شکست ناپذیرند».

شخصیت استالین، طی سالهای پس از کنگره قانون اساسی، شناخته شده تر شد. تصاویر و شعارهای وی در اتحاد جماهیر شوروی چنان برجسته شدند که اتباع خارجی آنرا ریاکاری و «بت پرستی» تلقی نمودند. اغلب آشنایان شوروی من واقعا به استالین بعنوان فردی که کشور آنها را ساخته و به موفقیت رهنمون شده عشق میورزند.

من حتی افرادی را میشناسم که دقیقا قبل از روز انتخابات و بجای دادن رای به نامزدهای کسل کننده، بمنظور دادن رای به استالین در منطقه ای که او در آن شرکت میکرد، محل زندگی خود را موقتا تغییر میدادند.

در مورد محل زندگی استالین هیچگاه مطلبی در روزنامه های شوروی نوشته نمیشود. بر اساس سنن روسی، همه، حتی یک رهبر سیاسی، از حق حفظ حریم زندگی خصوصی خود برخوردار است. یک خط بسیار ظریف زندگی خصوصی را از کار عمومی جدا میسازد.

هنگامیکه همسر استالین درگذشت، در ستون آگهی های فوت روزنامه ها نام اصلی او، که متعلق به استالین نبود، منتشر و به کارها و ارتباطات وی با سازمانهای مختلف و این واقعیت که او «دوست و رفیق استالین بود» اشاره شده بود. آنها به اینکه او همسر استالین بود اشاره نکرده بودند. این حقیقت که او با استالین کار میکرد و نباید بعنوان یک رفیق بر روی تصمیماتش تاثیر میگذاشت مسئله ای عمومی بود. اینکه وی همسر استالین بود به خود آنها ارتباط داشت. پس از مدتی او دوباره ازدواج کرد اما اینبار در روزنامه مطلبی در این مورد منتشر نشد.

اطلاعات اجمالی مربوط به روابط شخصی استالین عمدتا از طریق ارتباطات وی با افراد خوشرویی که در ساخت و ساز تاریخ اتحاد جماهیر شوروی مشارکت داشته اند عرضه میشوند. والری چاکلوف، خلبان بی نظیری که بر فراز قطب شمال از مسکو به آمریکا اولین پرواز را انجام داد، از بعد از ظهری گفت که او در خانه تابستانی استالین، از ساعت چهار تا ساعاتی پس از نیمه شب، سپری نموده بود.

استالین ترانه ولگا را میخواند، صفحه را بر روی گرامافون میگذاشت برای اینکه جوانترها برقصند، و بطور کلی همانند یک فرد معمولی، راحت و آسوده در دل خانواده اش، رفتار مینمود. او گفت که ترانه را در تبعید در سیبری، زمانی که کاری بجز خواندن وجود نداشت، آموخته بود.

در کرملین، به افتخار سه زن خلبان که با پرواز دیدنی خود از مسکو تا خاور دور کلیه رکوردهای جهان را برای زنان شکسته بودند، مهمانی شبانه ای تدارک دیده شده بود. سپس یکی از آنها، راسکواوا به اینکه استالین چگونه با آنها در مورد روزهای ماقبل تاریخ زن سالاری، هنگامیکه زنان جامعه انسانی را اداره مینمودند شوخی کرده بود، اشاره نمود.

او گفت که در روزهای اولیه تکامل انسانی زنان کشاورزی را بعنوان بنیان جامعه و ترقی بوجود آورده بودند، در حالیکه که مردان «تنها شکار میکردند و به جنگ

میرفتند.» پس از اشاره به قرن طولانی بردگی زنان، استالین گفت، «اکنون این سه زن بمنظور گرفتن انتقام از صدها سنگین زنان بپا خاسته اند.»

بهترین روایت، تصور میکنم، در مورد ماری دمچنکو است، چرا که نشان دهنده نظرات استالین است درباره رهبران و چگونگی تولید آنها. ماری یک زن دهقان بود که به یک مجتمع کشاورزی در مسکو آمد و تعهدی شخصی به استالین داد، سپس بر روی سکویی، که تیپ زنانش در آن سال به تولید ۲۰ تن چغندر در هر هکتار کمر همت بسته بودند، نشست.

این وعده، با وجود یک میانگین حدوداً ۵ تنی در اوکراین، خارق العاده بود. مبارزه ماری مسابقه ای را در میان تولیدکننده گان چغندر قند اوکراین بوجود آورد، این امر توسط نشریات شوروی برجسته شد.

تمام کشور با شور و هیجان مبارزه ماری را بر علیه آفت پروانه دنبال میکرد. نگاه همه مردم به سازمان آتش نشانی محلی که بمنظور غلبه بر خشکسالی ۲۰ هزار سطل آب را به محل حمل میکرد خیره شده بود. آنها میدیدند که گروهی از زنان ۹ بار علف هرز مزارع را میکشیدند و ۸ بار از وجود حشرات پاک میکردند. ماری سرانجام از هر هکتار ۲۱ تن محصول برداشت کرد، در حالیکه بهترین رقیبان او ۲۳ تن برداشت نموده بودند.

آن برداشت یک رویداد ملی بود. بدین ترتیب گروه ماری در جشن پاییز بمنظور ملاقات استالین به مسکو رفت. نشریات با آنان مانند ستارگان سینما برخورد و مکالماتشان را برجسته نمودند. استالین از ماری در مورد بزرگترین آرزویش بعنوان جایزه، بخاطر رکورد خوبش و بخاطر تشویق دیگر صاحبان مزارع چغندر، سوال کرد. ماری پاسخ داد که بالاترین آرزوی وی آمدن به مسکو و دیدار با «رهبران» بود

«اما الان شما، خودتان رهبر هستید»، استالین به ماری گفت.

«البته، بله»، ماری گفت، «اما ما بهر حال میخواستیم که شما را ملاقات کنیم.»

درخواست نهایی وی، که تضمین شد، تحصیل در دانشگاه کشاورزی بود.

هنگامیکه جنگ آلمان بر علیه اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد، بسیاری از خارجیان از اینکه استالین به منظور تهجیح فوری مردم سخنرانی نکرد حیرت زده شده بودند. برخی از روزنامه های احساسی و عاطفی تر ما خیال میکردند که استالین فرار کرده بود!

مردم اتحاد جماهیر شوروی میدانستند که استالین به آنها اعتماد داشت و میدانست که آنها کار خود را انجام خواهند داد و اینکه او موقعیت را در فرصتی مناسب جمع بندی و در اختیار آنان قرار میداد. او آنها در ۳ ژوئیه<sup>۸</sup> در یک سخنرانی رادیویی انجام داد. عباراتی که او با آنها آغاز نمود بسیار مهم بودند.

«رفقا! شهروندان!» بهمان ترتیبی که او همواره آغاز مینمود. پس از آن اضافه کرد، «برداران و خواهران!» این اولین بار بود که استالین در میان مردم از آن عبارات صمیمانه خانوادگی استفاده میکرد. آن عبارات، برای شنونده گان، به معنای جدی بودن وضعیت تلقی شد، که آنها اکنون باید با یکدیگر با آزمون نهایی روبرو و اینکه همه باید بهم نزدیکتر شده و یکدیگر را گرمی تر از هر زمان دیگری می‌شمرند.

این بمعنای این بود که استالین میخواست وظیفه ارتشی حمایت کننده را بر دوش آنان بگذارد و به آنان بخاطر ماموریتی که ناگزیر به انجام آن شده بودند قدرت بدهد. این ماموریت چیزی کمتر از قبول آن نبود که در بدنهایشان شوکی از جهنمی ترین حمله در تاریخ را بپذیرند، در برابر آن مقاومت نمایند، آنها در هم بشکنند، و با شکستن آن جهان را نجات بدهند. آنها میدانستند که ناگزیر به انجام آن بودند، و استالین میدانست که آنها آنها را انجام میدادند.

استالین جدی بودن خطر را کاملا روشن نمود، که ارتش آلمان بسیاری از کشورهای حوزه دریای بالتیک را به تصرف خود درآورده بود، که مبارزه بسیار پرهزینه میشد، و اینکه مسئله بر سر «آزادی و بردگی، مرگ و زندگی اتحاد جماهیر شوروی بود.»

او به آنها گفت: «دشمن بیرحم و کینه توز و بدنبال تصرف سرزمین ما، که با عرق جبین آبیاری نموده ایم، است... تبدیل مردم به بردگان شاهزاده ها و بارونهای آلمانیست.» او به سراغ «ابتکار شجاعانه و زیرکی که در ذات مردم ماست»، امری که وی شخصا برای بیش از ۲۰ سال به آفرینش آن یاری رسانده بود، رفت.

وی با بیان جزئیات مسیر تلخی را که آنها باید دنبال مینمودند، هر یک در منطقه خودش، برشمرد. آنان را به یافتن متحدان خود در میان مردمان عاشق آزادی در جهان ترغیب و «به جلو - به پیروزی فراخواند.»

ارسکین کالدول، از آن سپیده دم از مسکو گزارش داد، گفت که توده های عظیم مردم در میدانهای شهر ایستاده و به بلندگوها گوش میکردند، «نفسهای خود را در

چنان سکوت عظیمی در سینه هایشان محبوس نموده بودند که هر کسی قادر به شنیدن هر گونه تغییری در آهنگ صدای استالین بود.»

در خلال سخنرانی دوبار، حتی صدای آبی که در لیوان آب ریخته میشد، که استالین نوشیدن آنرا متوقف نمود، قابل شنیدن بود. پس از پایان کار وی برای چند دقیقه ای سکوت ادامه پیدا کرد. سپس یک زن مادر گونه گفت، «استالین خیلی کار میکنه، تو این فکر که آیا او فرصتی برای خوابیدن پیدا میکنه.» این شیوه ای بود که استالین بوسیله آن مردم اتحاد جماهیر شوروی را به آزمون جنگ رهنمون شد.

بایگانی آنا لونیوا استرانگ

**Source:** *The Soviets Expected It*, The Dial Press, New York, 1941, pp. 46-64

**Transcription/HTML Markup:** Brian Reid

**Copyright:** Reproduced under "Fair Use" provisions.

-۱

<http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%DA%86.%D8%AC%DB%8C.%D9%88%D9%84%D8%B2>

[http://sv.wikipedia.org/wiki/Emil\\_Ludwig](http://sv.wikipedia.org/wiki/Emil_Ludwig) -۲

<https://www.marxists.org/reference/archive/stalin/works/1936/03/01.htm> -۳

<http://www.marxists.org/reference/archive/stalin/works/1930/03/02.htm> -۴

[http://en.wikipedia.org/wiki/Walter\\_Duranty](http://en.wikipedia.org/wiki/Walter_Duranty) -۵

[http://en.wikipedia.org/wiki/Voluntary\\_society](http://en.wikipedia.org/wiki/Voluntary_society) -۶

<http://www.marxists.org/reference/archive/stalin/works/1936/11/25.htm> -۷

<http://www.marxists.org/reference/archive/stalin/works/1941/07/03.htm> -۸